

گاو‌میش‌های دوست‌داشتنی؛ درس‌نامه خانواده نیکوکار

مقدمه

انسان‌ها هزاران سال است که دام‌ها را اهلی کرده‌اند. نزدیکی انسان و دام تا حدی است که در داخل خانه‌های روستایی، مکان زندگی دام‌ها هم تعریف شده است. دام‌ها از گوسفند و گاو گرفته تا طیور، جایی در زندگی ما از گذشته تا امروز داشته‌اند. به همین خاطر ما همیشه به زیست آن‌ها توجه داشته‌ایم.

برای ما انسان‌ها بسیار مهم بوده که مثلاً کدام گاو شیر بیشتری می‌دهد، کدام گوسفند بره دوقلو می‌زاید و کدام مرغ برای طبخ غذا خوش‌طعم‌تر است. همه این ملاحظات باعث شده که از همان گذشته، انسان‌ها دست به اصلاح ژنتیک بزنند و آن گونه‌ای را تکثیر کنند که کیفیت بهتری دارد یا با موقعیت منطقه سازگارتر است. آخر برخی از گونه‌ها کیفیتشان وابستگی کامل به منطقه جغرافیایی دارد و در هر جایی امکان زندگی مناسب ندارند. یکی از این گونه‌های مهم که در همه‌جا امکان زندگی‌اش نیست گاو‌میش است. گاو‌میش نمونه‌ای از گاو است که ویژگی‌های منحصر به فردی دارد، گوشتش گرم است، شیرش چرب‌تر و غلیظ‌تر از شیر گاو است و محصولاتش گران‌تر. گاو‌میش‌ها وابستگی شدیدی به آب دارند و آب‌تنی یکی از علایق آن‌هاست. به همین دلیل، استان گیلان یکی از زیستگاه‌های مطلوب گاو‌میش‌هاست. فاطمه دریسای و همسرش، آقای نیکوکار، در هفت‌دغنان صومعه‌سرا دست به کار بزرگی می‌زنند و اقدام به اصلاح نژاد گاو‌میش‌ها می‌کنند؛ کاری که یک دستاورد بزرگ جهانی برای ما محسوب می‌شود.

روایت فاطمه دریسای

فاطمه دریسای اوایل جنگ تحمیلی و در آبادان به دنیا آمده. همراه خانواده‌اش تا پایان جنگ در شیراز ساکن بودند و پس از آن به دیار خود بازگشتند. چند سالی بیشتر طول نکشید که فاطمه در دانشگاه تربیت‌معلم ارسنجان شیراز قبول شد و در همان ترم نخست، با پسری گیلانی که از دانشجویان مرتع‌داری بود ازدواج کرد. آن‌ها به‌خاطر ادامه تحصیل، زندگی مشترکشان را در همان شیراز آغاز کردند.

بیکاری همسر و بارداری خانم دریسای، خیلی زود آن‌ها را راهی گیلان کرد. اولین سرمایه کارشان در روستا، یک تکه زمین سهم‌الارث همسرش آقای نیکوکار بود و چند تکه طلای عروسی و سه‌چهار گاو‌میش اهدایی پدرشوهر خانم دریسای. با این حال، زندگی روی سختش را به آن‌ها نشان می‌داد. خانم دریسای از آن روزهایش این‌گونه می‌گوید:

من دختر ضعیفی نبودم؛ چون بچه جنگ بودم. یک‌سال و نیمم بود که جنگ شد و از آبادان به شیراز آمدم. آن زمان، شیر و نان سهمیه‌بندی بود و ما از بچگی مبارزه با

سختی‌ها را یاد گرفته بودیم. پایین‌محله شیراز زندگی می‌کردیم. حالا زندگی در روستای هاشم‌آباد رضوان‌شهر هم سختی‌های خودش را داشت. ساعت شش صبح بلند می‌شدم و می‌رفتم داخل دامداری. شوهرم سر گاو را می‌گرفت و من ته گاو را می‌گرفتم تا بدوشمش که یک ذره شیر بیاید، هم خودمان بخوریم، هم پنیر کنیم و بفروشیم. من بچه‌شهری و درس‌خوان، یک‌دفعه‌ای از شهر بلند شده و آمده بودم جایی که باید می‌گشتم هیزم جمع می‌کردم تا بخاری هیزمی را روشن نگه دارم! آب هم نبود؛ از چاه باید آب می‌آوردم تا ظرف بشویم یا غذایی درست کنم!

همسرم از صبح می‌رفت تا غروب. یک اسب داشت مثل لوک خوش‌شانس! یک سگ هم داشتیم که می‌رفت دنبال گاوهایش و غروب می‌آوردشان. آن موقع تازه مصیبت شروع می‌شد؛ باید با هم شیرشان را می‌دوشیدیم. چون تعدادشان زیاد بود، نمی‌توانستیم بدوشیمشان. توی روستا معمولاً گاوهایش دارها با همدیگر می‌دوشیدند و آن قدر کار سختی بود که گاهی تا دوازده شب مشغول بودند. من هم دست‌هایم آن قدر طاقت نداشت که بخواهم بنشینم شیر همه گاوهایش را بدوشم. یکی دو تا را می‌دوشیدم و خسته می‌شدم.

روی دست مادرشوهرم نگاه کردم که چه جور پنیر درست می‌کند. پنیر می‌زدم و می‌فروختم. اوایل، درآمدمان کلاً با فروش پنیر بود. پولش زیاد نبود؛ ولی برای گذران زندگی خوب بود.

چند سالی گذشت و تعداد گاوهایش زیاد شد؛ اما مشکلات گاوهایش داری سبب شد تا چند تایشان را بفروشند و شالیزار بخرند. خانم دریسای و همسرش برنج‌کاری بلد نبودند و با نگاه کردن به دست مردم روستا کم‌کم کشاورزی را یاد گرفتند تا اینکه خشک‌سالی سال ۱۳۸۷ گیلان و نداشتن پول کافی برای حفر چاه، آن‌ها را به سمت کشت یک محصول دیم و پرورش ۱۵۰۰ جوجه‌اردک کشاند. آن‌ها سرانجام توانستند به اندازه برنج هرساله‌شان آورده مالی به دست بیاورند.

مشکلات زندگی در روستا خانم دریسای را به فکر فروش گاوهایش و زندگی در شهر انداخت؛ اما علاقه آقای نیکوکار به روستا و رسیدن به آرزوهایش، او را به ماندن در روستا تشویق کرد. شغل بیشتر مردم هفت‌دغنان گاوهایش داری بود و خانم دریسای هم برای ادامه زندگی مجبور بود با گاوهایش کنار بیاید:

گاوهایش، شکلش شبیه گاو است؛ ولی خصوصیت میش را دارد. طبع لبنیات و گوشتش گرم است. کلسترول پایین و پروتئین بالاتری دارد و قدرت جذب فیبرش هم بالاست. گاوهایش بیماری‌هایی مثل آبله، یرقان و تب سه‌روزه را نمی‌گیرد و خیلی مقاوم است.

به خاطر نوع غذایی که استفاده می‌کند، مثل پسماند محصولات غذایی و پوست مرکبات و گوجه‌فرنگی، خیلی مقرون‌به‌صرفه است. شیرش خیلی کمتر از گاو است؛ ولی غلظت و چربی و پروتئینش بالاتر است. میزان شیری که می‌دهد حدود هفت‌هشت کیلوست؛ ولی گاو میش اصلاح‌شده ده‌دوازده کیلو شیر هم می‌دهد. قیمت شیرش بالاتر است و مشتقات بیشتر و گران‌تری هم دارد. شیرش عین یک چاه نفت می‌ماند. هرچقدر رویش فرآوری انجام شود، ارزشش بیشتر می‌شود. گاو میش از قدیم بوده و تا الان نسلش ادامه پیدا کرده است و در آینده نیز نقش مهمی دارد؛ برای همین بهش می‌گویند «دام هزاره سوم». از این به بعد هم هرچه به سمت خشک‌سالی می‌رویم، می‌تواند خودش را حفظ بکند.

آقای نیکوکار علاوه بر پرورش گاو میش‌ها، دست به کارهای مهم‌تری زد. از سال ۱۳۹۲ روی اصلاح نژاد گاو میش‌ها تحقیقاتش را آغاز کرد و بر پایه آموزش‌هایی که در داخل کشور دید و تجربیاتش، در مدت کوتاهی به نتایج خوبی دست پیدا کرد. این تحقیقات نظر مسئولان جهاد کشاورزی را به‌عنوان پیش‌گام اصلاح نژاد گاو میش در گیلان جلب کرد. به همین دلیل، آقای نیکوکار مدتی بعد از رفت‌وآمد به اداره جهاد کشاورزی، متوجه برگزاری دوره پرورش گاو میش زیر نظر فائو در ایتالیا شد که کشورهای عضو می‌توانستند نمایندگان خود را اعزام کنند. آقای نیکوکار به دفتر مرکز فدراسیون جهانی گاو میش در ایتالیا اعزام شد و اطلاعات خوبی کسب کرد. دو سال بعد هم با هزینه شخصی خود، مجدداً به ایتالیا رفت تا آموزش‌هایش را تکمیل کند. در این میان، خانم دریسای هم به‌واسطه فیلم‌های ارسالی همسرش، از دوره‌ها و آموزش‌ها عقب‌نماند و پایه‌پای او در مسیر پیشرفت حرکت کرد. دستاورد این سفرها این بود که آن‌ها مزارع الگوی تدریجی ایتالیا را شامل کشت انواع علوفه و شبدرد و فروش محصولات فرآوری‌شده از شیر و گوشت گاو میش‌ها را در پشت مجموعه، با ابعاد کوچک‌تر و در زمین سه‌هزارمتری اجرا کردند. بعد از آن هم اقدام به اصلاح نژاد گاو میش‌ها کردند که موجب افزایش تعداد و میزان شیردهی‌شان شد. کار آن‌ها تا حدی پیش رفت که در سال ۱۳۹۵، به پیشنهاد جهاد کشاورزی گیلان، تعاونی تخصصی دامداران را با ۴۲ عضو، با مدیرعاملی خانم دریسای تأسیس کردند.

خانم دریسای در مدیریت برای دامداران چیزی کم نمی‌گذاشت؛ برایشان نهاده می‌خرید، با لبنیاتی‌ها جهت تحویل شیر در دامداری‌ها قرارداد می‌بست و جهت دریافت نهاده یارانه‌ای، با استانداری و وزارت کشور نامه‌نگاری می‌کرد و به‌ازای هر دامدار پنجاه کیسه نهاده دریافت کرد. همین امر موجب افزایش اعضای تعاونی به سیصد دامدار شد.

پیشرفت‌های خانم دریسای در اصلاح نژاد را آقای نیکوکار به فدراسیون جهانی گاو میش‌داری هم معرفی کرد و برای سخنرانی راجع به تجربیات و روند فعالیتشان، در کنگره‌های جهانی نیز سخنرانی کرد:

چون زبانم خوب است، در اغلب کنگره‌ها خودم صحبت می‌کنم. از کارهایمان در ایران می‌گویم؛ از روستایمان در رضوان‌شهر که حول‌وحوش هفتصد تا گاو میش اصلاح‌شده

دارد؛ اینکه همسر مدیر پروژه است؛ خیلی برای کارمان تلاش کرده‌ایم و من مدیر مالی تعاونی هستیم. از طرف ایران و به‌عنوان یک کشور آسیایی که صحبت می‌کنم، کشورهای دیگر تعجب می‌کنند و می‌گویند: مگر می‌گذارند خانم‌ها همچین کارهایی بکنند؟! واقعاً چنین کارهایی در ایران انجام شده، آن‌هم زیر فشار تحریم؟! با همه‌ای که علیه ایران وجود دارد، خیلی ذهنیت بدی دارند و تعجب می‌کنند که یک خانم می‌آید و می‌گوید من مدیر یک تعاونی هستیم. می‌گویند: ...! مگر توی ایران می‌گذارند یک خانم مدیر باشد؟ می‌پرسند: واقعاً سیصد تا دامدار زیر نظر شماست؟ اصلاً نکند به‌اجبار حجاب روی سرت هست؟!

سال ۱۴۰۱ آقای گلدینز، عضو اصلی فدراسیون گاومیش از من خواست که تجربیاتم را به‌عنوان یک دامدار نمونه که عملکرد خوبی داشته‌ایم، بگویم. این تجربیات در مجله نیوز لایف چاپ شد؛ مجله‌ای تخصصی در زمینه گاومیش که در ۵ تا قاره چاپ و برای ۴۷ کشور ارسال می‌شود. برای تمام نقاط کشور آموزش داریم.

خانم دریسای که عنوان کارآفرین برتر استانی، دو سال متوالی عنوان روستایی نوآور، راهبر نمونه کشور و زن تأثیرگذار استان را در کارنامه افتخاراتش دارد، در مورد تأثیر سبک زندگی‌شان بر روی جوانان امروزی می‌گوید:

گذشته ما را که به چشم دیدند، می‌گفتند این زن و شوهر هیچی نداشتند؛ توی آن انباری زندگی می‌کردند؛ ماشین هم نداشتند؛ الان با گاومیش‌داری، وضعشان این‌قدر خوب شده که خارج می‌روند. مگر با گاومیش‌داری هم آدم می‌تواند برود خارج؟! مگر با گاومیش‌داری می‌شود دو تا ماشین و خانه گرفت؟! پس گاومیش‌داری سود دارد. به تدریج و با توسعه تعاونی گاومیش‌داران و حل مشکلات گاومیش‌داری سنتی به کمک اصلاح نژاد، خیلی از جوان‌ها به روستا برگشتند و به کار آباو اجدادی‌شان رو آوردند.

اهداف درس‌نامه

۱. آشنایی دانش‌آموزان با اهمیت دامداری در اقتصاد زندگی روستایی و اقتصاد کشور؛
۲. آشنایی دانش‌آموزان با لزوم علم‌آموزی و فعالیت حرفه‌ای، حتی در مشاغل سنتی؛
۳. آشنایی دانش‌آموزان با هدف‌گذاری تحصیلی و شغلی برای رسیدن به موفقیت‌های مرتبط با بوم روستا؛
۴. تحمل همه چالش‌ها در مسیر دستیابی به هدف مشخص؛
۵. درک اهمیت بازگشت افراد توانمند و تحصیل‌کرده به روستایشان، جهت پیگیری مشاغل سنتی با روش‌های نو و دانش‌بنیان؛
۶. آشنایی دانش‌آموزان با تأثیر زنان عقیف، هدفمند و ساعی در مسیر پیشرفت کشور.

برای رسیدن به اهداف پیشنهاد می شود:

۱. پخش مستند کارآفرینان موفق کشوری برای دانش آموزان؛
۲. پخش مستندها و گزارش های خبری از روند فعالیت خانم دریسای و همسرشان برای دانش آموزان (پیش از پخش، محتوای مستند بررسی شود)؛
۳. دعوت از دامداری های موفق استانی و برگزاری جلسات گفت و گوی صمیمانه با دانش آموزان؛
۴. بازدید میدانی از کارگاه ها و مجموعه های کارآفرینان و دامداران موفق استان توسط دانش آموزان؛
۵. دعوت از یک مشاور تحصیلی برای دانش آموزان و تشریح نحوه انتخاب رشته های تحصیلی مبتنی بر کارآفرینی در مشاغل روستایی؛
۶. معرفی کتاب هایی در حوزه پیشرفت های علمی به دانش آموزان و برگزاری مسابقات کتاب خوانی در مدرسه.

تکالیف

۱. تحقیق اینترنتی راجع به کارآفرینان یا دامداران نمونه استانی و ارائه پروژه این کارآفرینان در کلاس درس؛
۲. نوشتن انشاهای انگیزشی با این مضامین:
- چگونه یک کارآفرین موفق باشم؟
- اگر یک دامدار بودم، چگونه برای گسترش فعالیتم تلاش می کردم؟
۳. دانش آموزان دختر درباره زنان موفق ایرانی تحقیق کرده و در کلاس، آن ها را بچه ها معرفی کنند.

